

## اندیشه اسلامی ۲

جعفر سبحانی - محمد محمد رضایی

تهیه کننده امین الله مداح

### فصل دوم: اهداف، ابعاد و قلمرو دین

#### الف) ضرورت وحی و پیامبری

یکی از اصول اساسی دین اسلام نبوت است. نبوت باور به این حقیقت است که خداوند حکیم انسانهای والا و شایسته ای را برای هدایت و سعادت برانگیخته است تا دستورات الهی را از طریق وحی دریافت کنند و به آدمیان ابلاغ نمایند. معمولاً پیامبران برای اثبات حقانیت پیام خود به معجزه متوسل می شوند و معجزه پیامبر اسلام هم قرآن می باشد. بی گمان هر فرد شایسته ای نمی تواند در مقام پیامبری قرار گیرد. تنها کسانی لایق این مقامند که در طول زندگی آلوده به گناه نشوند و معصوم از گناهان پیامبران در ابلاغ وحی از هر نوع خطا و اشتباهی ایمن هستند و از هر نوع بیماری و نقص عضو مبرا می باشند.

از اصول مشترک میان ادیان آسمانی نبوت است بدین معنا که خداوند از خلقت نظام هستی هدفی معین دارد.

#### نبوت تحت دو عنوان کلی:

**نبوت عامه:** مربوط به همه انبیا می شود مثل وحی و معجزه

**نبوت خاصه:** فقط مربوط به یکی پیامبران بطور خاص (مثل پیامبر اکرم (ص))

#### ضرورت نبوت:

در این بحث سوال پیش می آید که با وجود عقل و علوم بشری به پیامبران الهی نیاز می باشد؟ آیا عقل و دانش می تواند انسان را به سعادت برساند؟ متکلمان اسلامی بر این باورند که انسانها همواره به تعالیم پیامبران نیاز دارند و براین اساس دلایلی را بر شمرده اند. خداوند کار لغو و بیهوده ای انجام نمی دهد.

هدف از آفرینش هر موجودی آن است که به کمال مطلوب برسد

زندگی انسان محدود به زندگی دنیایی نیست بلکه پس از زندگی دنیوی وارد زندگی دیگری می شوند که در نتیجه زندگی دنیوی می باشد.

این آگاهی شایسته از عهده منابع شناخت آدمی یعنی عقل و حس و علوم بشری بر نمی آید.

عقل بدی ظلم و خوبی عدالت را درک می کند و وقتی می خواهد مصادیق آن را تعیین کند دچار مشقت و سختی می شود. مثل مساله ارث.

بنابر این حس و عقل و دانش به تنهایی نمی تواند سعادت را بشناسد. پس نیازمند شناخت معصومانه دیگری هستیم که را درست را نشانمان دهد.

خداوند، حکم پیامبران را به منظور هدایت انسان ها به سوی سعادت و کمال ارسال نمود.

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ

مردم، امتی یگانه بودند، پس خداوند پیامبران را نوید آور و بیم دهنده برانگیخت، و با آنان کتاب را به حق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند.

**اهداف بعثت انبیاء:** مهم ترین هدف انبیاء نشان دادن راه هدایت و تکامل به انسان هاست.

۱- یاد آوری فطریات: خیلی از مسائل را انسان می داند اما بر اثر اهتمام به مادیات و یا بر اثر تبلیغ سوء شاید مورد غفلت و فراموشی واقع گردد. لذا با یاد آوری آنها فطرت خفتخ انساها=نهاد بیدار می گردد و در جهت هدایت انسانها موثر است. خداوند در آیاتی قرآن را یاد آوری و پیامبر مذکر (یاد آوری کننده) معرفی می کند. فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ، پس تذکر ده که تو تنها تذکر دهنده ای .

۲- آزاد کردن انسان از قید بندهای نادرست سنت ها و ارزش های ناروا و پوشالی است . پیامبران آمده اند تا با این سنت های غلط که مانع رشد و تعالی انسانها می گردد مقابله کنند .

۳- دعوت به توحید: مهم ترین هدف انبیاء زدودن شرک و دعوت به توحید نظری و عملی در تمامی ابعاد است.

۴- بر پایی قسط و عدالت در جامعه بشری از جلوه های تمدن گسترش عدالت در همه ابعاد فردی و اجتماعی است و آیه مربوطه :  
لَقَدْ أَرْسَلْنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ .

به راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرو آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند .

۵- آشنا کردن مردم با حکمت تعالیم الهی و تزکیه و تطهیر :

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَ لَا يُصْلِحُونَ .

از خداوند پروا کنید و فرمانم ببرید ، فرمان افراطگران را پیرونی نکنید ، آنان که در زمین فساد می کنند و اصلاح نمی کنند .  
پیامبران مردم را با تعالیم و آیات الهی آشنا سازند .

۶- بشارت و انداز: از ابزارهای پیامبران برای هدایت تبشیر ( مژده دادن به پاداش و انداز بیم از عذاب می باشد) ممکن بود برخی بگویند که خدا اگر پیامبرانی می فرستاد و ما را تبشیر و تنذیر می کرد ما هرگز گمراه نمی شدیم .

رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا .

پیامبرانی که بشارتگر و هشدار دهنده بودند تا برای مردم پس از فرستادن پیامبران ، در مقابل خدا حجتی نباشد ، و خدا توانا و حکیم است .

۷- علاج امراض روحی: پیامبران آمده اند تا بیماری های روحی انسانها را مداوا کنند به همین دلیل خدا قرآن را شفا بخش نامید .

۸- به کمال رساندن فضایل اخلاقی: مثل احسان به پدر و مادر - نکشتن فرزندان به دلیل تنگدستی - حفظ اموال یتیمان - پرهیز از کم کاری و کم فروشی - بر پایی حق ، هدالت و تقوا - راستگویی و .... پیامبر فرمود: انما بعثت لا تمم مکارم الاخلاق: من برای تکمیل کرامت های اخلاقی مبعوث شوم .

## معنای وحی :

در لغت هر نوع آگاهی بخشی و تفهیم سری و پنهانی را وحی گویند .

در اصطلاح: آگاهی خاص پیامبران که خداوند آنها را در اختیار پیامبران نهاده است تا از آن طریق پیامها و تعالیم الهی را به انسان برسانند . واژه وحی در قرآن برای مواردی دیگر هم بکار رفته است نظیر: وحی به آسمانها ، وحی به مادر موسی ، وحی به زنبور عسل

**انواع وحی :** وحی به پیامبران به صورت های گوناگون صورت پذیرفته است .

۱- دریافت حقایق در عالم رویا مانند: دستور ذبح اسماعیل به حضرت ابراهیم .

۲- نزول حقایق به روح و قلب پیامبران

۳- وحی از طریق ایجاد صوت همانگونه که حضرت موسی (ع) در کوه طور وحی شد

۴- وحی از طریق فرشته که به صورتی خاص ظاهر می شود .

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحِيًّا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ .

و هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن گوید جز از راه وحی یا از فراسوی حجابی یا فرستاده ای بفرستد و به اذن او هر چه بخواهد وحی نماید . آری ، اوست بلند مرتبه سنجیده کار .

## ب) معجزه انبیا

### معنای معجزه :

در لغت : عجز به معنای ضعف و ناتوانی ، در اصطلاح به عملی خارق العاده معجزه گویند که پیامبران الهی برای اثبات ادعای نبوت خویش انجام می دهند به گونه ای که مردم را به مثل یا مقابله با آن دعوت می کنند و از این سو مردم از انجام آن عاجز و ناتوانند و وجه تسهیر معجزه : پیامبران برای معجزه خود مبارزی طلبند .

### ویژگی های معجزه :

۱- اموری خارق العاده که مطابق قوانین عادی و معمول طبیعت نیست ۲- عملی معجزه است که همراه با ادعای نبوت و همچنین مطابق خواسته او باشد ۳- معجزه باید همراه با دعوت به مقابله یا تحدی باشد . ۴- صرف دعوت به مقابله کفایت نمی کند . امور خارق العاده ای که همراه با دعوی نبوت و تحدی نباشد معجزه نامیده نمی شود و در اصطلاح به آن کرامت گویند .

## ج) عصمت انبیاء :

عصمت در لغت : منع کردن ، باز داشتن ، نگهداری و مصونیت است .

در اصطلاح : مصونیتی خاص یا ملکه ای نفسانی که پیامبران را از ارتکاب گناه و خطا و اشتباه باز می دارد و یکی از شرایط نبوت است .

## اقسام عصمت :

۱- انبیاء در مقام دریافت ، حفظ و ابلاغ وحی (وحی) : مورد پذیرش همه متکلمان اسلامی است چرا که بدون آن ، هدف نبوت تحقق نمی یابد و ارسال رسولان بیهوده خواهد بود .

دلیل عقلی : این نوع عصمت آن است که چون خداوند عالم و قادر مطلق است می باید وحی بی هیچ خطایی توسط پیامبران به دست مردم برسد .

دلیل نقلی : خداوند پیامبران را تحت مراقبت کامل قرار می دهد تا وحی درست به مردم برسد . هدف از مراقبت این است که رساندن صحیح وحی به انسانها تحقق بخشد .

۲- عصمت از معصیت و گناه : پیامبران ضروری است در مقام عمل به احکام شریعت خود پیشگام باشند .

۳- عصمت در امور فردی و اجتماعی : پیامبران در امور عادی باید از خطا و اشتباه و سهو و نسیان مصون باشند . چرا که اینها از اعتماد مردم می کاهد

عامل و منشأ عصمت : متکلمان اسلامی بر این باورند که :

آگاهی و شناخت پیامبران نسبت به خداوند و مقام و صفات به گونه ای که این شناخت مانع از آن می شود که به غیر خدا توجه کنند و یا عشق بورزند و اندیشه ای جز رضای خدا در سر داشته باشند .

پیامبران و اولیای خاص الهی از نتایج نیکوی اطاعت خدا و پیامدهای ناگوار معصیت و گناه آگاهی کامل دارند .

عصمت و اختیار : پیامبران با اختیار خود از گناه دست می کشند و عصمت آنها جبری نیست .

## فصل سوم : شناخت اسلام

### تعریف اسلام:

در لغت به تسلیم شدن و گردن نهادن است

در قرآن کریم: یعنی که مردم را به تسلیم شدن انسان در برابر احکام الهی دعوت می کند و این نامگذاری برای اولین بار توسط حضرت ابراهیم (ع) انجام گرفت و پیروان آن را مسلمان نامید.

در اصطلاح: آخرین و کامل ترین شریعت نازل شده از سوی خدا برای هدایت انسان که تا ابد جاودانه است.

### قرآن و سنت:

۱- **قرآن:** آخرین کتاب آسمانی و معجزه پیامبر گرامی است و این کتاب از آن جهت جاوید است که خداوند حفظ و مصونیت آن را از تحریف، خود به عهده گرفت و ضمانت می نماید.

زبان خطاب قرآن: زبان تعریف عقلایی است.

### ابعاد اعجاز قرآن:

۱- **فصاحت و بلاغت:** ساختار عبارات آن به شیواترین و رسا ترین وجه است و خداوند برای ابلاغ پیام، شیوا ترین و زیبا ترین الفاظ و جذاب ترین ترکیب را به کار گرفته است (فصاحت) - به گونه ای که بهترین شیوه، معانی خود را به مخاطبان می رساند (بلاغت). اعجاز قرآن موجب شد کافران مردم را از شنیدن قرآن باز دارند و هنگام تلاوت هیایو می کردند.

۲- **اعجاز قرآن از نظر معارف الهی:** قرآن دارای ژرف ترین معارف و علوم، عادلانه ترین قوانین حقوقی و جزایی بهترین قوانین فردی، اجتماعی حکیمانه ترین مناسک عبادی ارزشمند ترین دستورات اخلاقی و متقن ترین نکات تاریخی و کار آمد ترین شیوه های تربیتی است.

۳- **اعجاز قرآن از نظر هماهنگی و عدم اختلاف در سبک و محتوا:** قرآن مجموعه آیاتی است که در طی ۲۳ سال و در حالات و شرایط گوناگون نازل شد. بی شک هماهنگی و عدم اختلاف در سبک و محتوا خود دلیل دیگری بر اعجاز قرآن است. اگر پیامبر مطالب قرآن را از جانب خود و بدون ارتباط با وحی مطرح می نمود طبعا اختلاف در سبک و تناقض و ناهماهنگی در محتوا به چشم می خورد.

۴- **اعجاز قرآن از نظر اسرار آفرینش:** حقایق علمی در این کتاب وحی الهی است زیرا آورنده فردی درس نخوانده است. قرآن کتاب علمی و بیانگر همه قوانین نیست بلکه اسرار طبیعت را باز می گوید، به دلیل جنبه های تربیتی، اخلاقی و خداشناسانه آن. و قرآن کتاب هدایت و تربیت انسان هاست - به دلیل شرایط عصر نزول، حقایق علمی برای مردم آن عصر دشوار و پیچیده بود.

### از مصادیق اعجاز علمی قرآن:

**حرکت زمین:** در عصر نزول قرآن نظریه جامعه علمی آن زمان این بود که زمین ثابت و سیارات از جمله خورشید به دور زمین در گردشند اما قرآن به شیوه لطیف و زیبا به حرکت زمین اشاره می کند.

وتری الجبال تحسبها جاهده وهی تهرمه السحاب: و کوه را می بینی و می پنداری که آن ها بی حرکت اند و حال آنکه آنها ابر آسا در حرکت اند.

**تلقیح نباتات به وسیله باد:** در قرآن بیان شده نیازمندی برخی گیاهان به تلقیح یا گردافشانی از طریق باد است و ارسلنا الریاح لواقع و

بادها را بارور کننده فرستادیم . و همچنین در قرآن آمده است که ما از هر چیزی جفت آفریدیم و این نور و مادگی در گیاهان نیز وجود دارد

**جاذبه عمومی:** از مهم ترین قوانین است که اجسام به یکدیگر نیرو وارد می نمایند و با افزایش فاصله دو جسم ، جاذبه بین آنها کاهش می یابد .

**۵- اعجاز قرآن از نظر خبرهای غیبی:** تفاوت پیش گویی های قرآن با سخنان پیشگویان : پیشگویی های قرآن قطعی ، همراه با جزئیات و همراه با ادعای نبوت است .

### **برخی از خبرهای غیبی قرآن:**

- ناتوانی انسان ها از معاوضه با قرآن: قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی أن یأتوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثله : بگو اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند مانند آن را نخواهند آورد .

- پیروزی رومیان پس از قدی کوتاه: بعد از پیروزی سپاه ایران بر رومیان مشرکان شادمانی کردند و پنداشتند که آنان به مسلمانان پیروز خواهند شد ، در کمتر از ده سال پیش بینی قرآن به وقوع پیوست و به دنبال آن پیروزی مسلمانان بر شرکان در جنگ بدر اتفاق افتاد .

- پیروزی پیامبر بر مشرکان: در سال سوم بعثت به دنبال طعنه ها و بد گویی های مردم مکه نسبت به پیامبر آیه شریفه ۹۴ تا ۹۶ سوره حجر نازل شد : پس آنچه را بدان ماموری آشکار کن و از مشرکان روی بر تاب که ما شر ریشخند گران را از تو بر طرف خواهیم کرد . همانان که با خدا معبودی دیگر قرار می دهند . پس به زودی حقیقت را خواهند دانست .

- خبر بازگشت پیامبر به مکه: پیامبر مکه را به قصد مدینه ترک کرد در راه در فکر برگشت به مکه بود آیا بر خواهد گشت یا خیر که این هنگام آیه ای نازل شد : **إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ** ، در حقیقت ، همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد ، یقیناً تو را به سوی وعده گاه باز می گرداند .

مصونیت قرآن از تحریف: بی گمان کتاب آسمانی نظیر تورات و انجیل تحریف شده اند ولی قرآن از هر گونه تحریف در امان مانده است زیرا هیچ کس نظیرش را نتوانست بیاورد .

### **دلایل تحریف ناپذیری قرآن:**

۱- اجماع مسلمانان بر عدم تعریف قرآن و شهادت تاریخ بر اهتمام مسلمانان مبنی بر وجود حافظان و کاتبان و قاریان متعدد در جامعه اسلامی .

۲- خداوند خود در آیه ای حفظ و صیانت قرآن را بر عهده گرفته است . انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون : بی تردید ما این قرآن را به تدریج نازل کردیم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود .

۳- امام علی و سایر امامان معصوم همواره مردم را به تدبیر و عمل به قرآن می خوانند در حالی که اگر تحریف صورت می پذیرفت امامان سکوت نمی کردند .

### **۲- سنت:**

خداوند مسئولیت تبیین را بر عهده پیامبر اکرم (ص) و بعد از ایشان به عهده امامان نهادند .

### **تعریف سنت:**

سنت در لغت به معنای روش و طریقه است که هم در قرآن و هم در روایات به کار رفته است . آیه شریفه ۴۳ فاطر : هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی یابی و هرگز سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت .

و در روایتی پیامبر (ص) می فرماید: نکاح و ازدواج سنت من است و هر کس از سنت روی بر گرداند از من نیست .  
سنت در اصطلاح: تمام گفتارها و کردارها و تقریرهای معصومان سنت نامیده می شود .  
به مطلبی که پیامبر و امامان معصوم در تبیین آیات الهی بیان می کنند در اصطلاح گفتار می گویند .  
به آنچه پیامبر و امامان معصوم در تبیین آیات الهی گفته یا انجام داده اند سنت می گویند که یکی از منابع شیعه بشمار می رود .

### حجیت سنت:

در نزد شیعه پیامبر و امامان معصوم و از هر گونه خطا و اشتباه مصون اند از این رو گفتار و کردار آنها حجت است .  
ریشه سنت امامان معصوم (ع) را در سنت نبوی باید جست .

### دلایل نقلی حجیت سنت:

- آیه ۴۴ سوره نحل ، و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس : این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه نازل شده توضیح دهی .

- آیه ۵۹ سوره نساء : یا ایها الذین آمنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول : ای کسانی ایمان آورده اید خدا را اطاعت کنید . و پیامبر و اولیای امر خود را مطیع باشید .

- آیه ۷ سوره حشر : و ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه : و آنچه را فرستاده او به شما داد آنچه را باز داشت ، باز ایستید .

- حدیث ثقلین : پیامبر فرمود: من دو چیز گران بها یعنی کتاب خدا و اهل بیت و عترتم را در میان شما می گزارم .

- حدیث سفینه: پیامبر فرمود: آگاه باشید که اهل بیت من در میان امتم مانند کشتی نوح است و هر کس سوار شد نجات یابد .

### ب) عقل و جایگاه آن در شناخت دین:

**جایگاه عقل:** عقل در لغت به معنای منع و باز داشتن است . به ابزاری که به نوعی باز دارندگی دارد مانند افسار که از بیراهه رفتن حیوان جلوگیری می کند از اینرو به قوه ای که انسان را از بیراهه باز دارد عقل می گویند

### تقسیمات عقل:

نظری: مربوطه به درک اموری است که در عمل تاثیر ندارد یعنی هست ها و بودها

عملی: مربوط به درک اموری که در عمل تاثیر مستقیم دارد یعنی باید ها و نبایدها

### حجیت عقل:

همه امور حجیت خود را به واسطه دلایل عقلی می گیرند .

- دیدگاه اشاعره: حسن و قبح افعال را طبق حکم شارع باید تعیین نمود

- دیدگاه شیعه: عقل می تواند حسن و قبح افعال درک کن چون این ویژگی ها به صورت ذاتی است .

### رابطه عقل و دین:

از مسائل مهم در حوزه دین پژوهی است . که به دو دیدگاه اصلی تقسیم می شود: ۱- ایمان گرایی ، ۲- عقل گرایی

۱- ایمان گرایی: ساحت دین را قلمرویی می داند که فعالیت عقلانی در آن کارآمد نیست .

۲- عقل گرایی: آموزه های دین با اصول عقلی مطابقت دارد .

خداوند انسان را به تفکر و تدبیر دعوت و سفارش می نماید:

۱- انا أنزلناه قرآناً عربياً لعلکم تعقلون : ما قرآن را عربی نازل کردیم باشد که بیندیشید .

۲- إن شر الدّواب عند الله الصم البکم الذین لا یعقلون : قطعاً بدترین جنبنندگان نزد خدا کران و لالانی اند که نمی اندیشند .

سخن امام صادق (ع) درباره حجیت درونی و باطنی می فرماید: هر کس عاقل است دین دارد و کسی که دین دارد به بهشت می رود

اختلاف های فرقه های اسلامی در اصل حجیت عقل نیست بلکه محدوده کارآیی آن است مثال :

- اهل حیث تعقل در فروع دین را حرام می دانند اما اصول دین خویش را پذیرفته اند .

- اهل شیعه در پذیرش اصول دین و همه در فروع آن و استنباط احکام عقل را موثر می شمارند .

وجه تمایز اسلام و مسیحیت پیرامون رابطه عقل و دین:

مسیحیت تعقل را ممنوع دانسته و تاکید می کند ایمان بیاورید تا بفهمند و بسیاری از اصول آن مانند : الوهیت عیسی ، تثلیث ، تجسد

مسیح ، گناه ذاتی انسان

### ج ( خاتمیت:

یکی از ضروریات دین اسلام مسئله خاتمیت است و از ریشه ختم به معنی پایان دادن و مورد تصریح قرآن در روایات می باشد و

بدین معنا که پیامبر اسلام آخرین پیامبر و پایان دهنده سلسله پیامبران است .

**خاتمیت در قرآن:** قرآن در آیاتی آشکارا و در برخی ضمنی به خاتمیت پیامبر اشاره می کند مثلاً در این آیه :

آیه ۴۰ سوره احزاب : مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ : محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست ،

ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است .

امام باقر (ع) در تفسیر آیه و مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ فرماید :

خاتم النبیین یعنی لا نبی بعد محمد ، خاتم انبیاء به این معناست که هیچ نبی بعد از حضرت محمد نیست .

### تفاوت نبی و رسول:

**نبی:** کسی است که از جهان غیب خبر دهد چه مامور به ابلاغ وحی باشد یا نباشد .

**رسول:** کسی است که علاوه بر خبر از غیب یکی از شرایط سه گانه را داشته باشد : مامور به وحی باشد ، دارای شریعت جدید باشد

، دارای کتاب آسمانی باشد .

خداوند دین پیامبر اسلام را دین کامل معرفی کرده و از آنجا که دین به کمال خویش نایل شده دیگر از وی به تداوم وحی نیست:

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا .

امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم ، و اسلام را برای شما به عنوان آیینی برگزیدم .

طبق این آیات ، رسالت پیامبر جهانی و همگانی است و همه انسانها را شامل می شود :

آیه ۲۸ سوره سبا : و ما ارسلناك الا كاهن للناس بشيرا و نذيرا : و ما تورا جز بشارتگر و هشدار دهنده برای تمام مردم نفرستادیم .

آیه ۱۵۸ سوره اعراف : قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا . بگو ای مردم ، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم

### خاتمیت در روایات اسلامی:

- **حدیث منزلت:** سخن پیامبر (ص) با امام علی (ع) در هنگام حرکت برای جنگ تبوک ایشان در مدینه جانشین خود کرد .

- **روایت نبوی:** من همانند مردی هستم که خانه ای بنا کرده ، آن کامل زیبا ساخته و فقط جای یک خشت در آن خالی است و

هر که به منزلت می آید جای خالی آن را می پرسد و پیامبر فرمودند : من جای آن آجر خالی ام و پیامبران به وسیله من ختم شده اند .

- **روایت امیر المؤمنین:** بعث الله سبحانه محمداً لإنجاز عده و إتمام نبوته : خداوند سبحان محمد (ص) را برای دفاعی عهد خود و

اتمام و اکمال نبوتش مبعوث ساخت .

## شبهات دوباره خاتمیت:

۱- خاتمیت ، پایان حاکمیت دوره غریزه

اقبال لاهوری : وحی مربوط به دوران مدیریت زندگی انسان به وسیله غریزه است ولی با پیشرفت انسان ، تفکر و تعقل جای غریزه را گرفت لذا خاتمیت یعنی دوران پایان دوران غریزه و هدایت بر اساس وحی و شروع دوره هدایت عقل .

۲- خاتمیت ، پایان دوران ولایت شخصی

در این دیدگاه تفسیر دیگری از اقبال لاهوری است بدین صورت :

پیامبر ولایت شخصی و بدون استدلال بر مردم داشت و اوامر ایشان از موضوع بالا و صرف پیامبر بودن اجرا می شد اما با ختم رسالت دوره پذیرش بدون دلیل عقلی به پایان می رسد .

دیدگاه قرآن درباره خطابات پیامبر : آن را برهان و نور می داند که هم خودش روشن است و هم روشنی بخش است .

یا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا: ای مردم ، در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستاده ایم .

۳- ناسازگاری خاتمیت و مرجعیت علمی امامان معصوم

اگر امامان معصوم و دارای مرجعیت علمی بدانیم لازمه اش این که ایشان به منبع وحی متصل باشند در حالی که این با خاتمیت سازگاری ندارد . بر اساس دلایل فراوانی می توان عصمت و حجیت را اثبات نمود : قرآن می فرماید این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی .

در حدیث ثقلین پیامبر که از احادیث متواتر اسلامی است روایت اهل بیت و قرآن هم تراز هستند .

بنا به ادله فراوان می توان عصمت و حجیت ائمه را اثبات نمود .

مسلمانان بر مرجعیت و وثاقت قرآن و سنت قطعی پیامبر اجماع دارند .

## د) روش فهم دین :

فهم پذیری دین : دین به ویژه دین اسلام آخرین و کاملترین دین آسمانی است شامل مجموعه تعالیم نازل شده از سوی خداوند است . قرآن خود را نور آشکار ، کتاب روشن ، هدایتگر مردم ، تبیین گر معرفی می کند . و سرزنش می کند افرادی که در آیات تدبر نمی کنند و از آن رویگردانند .

## روشمند بودن فهم دین:

قرآن برای همه قابل فهم است اما برای هر کس مطابق با توانمندی و استعداد وی

مهم ترین ابزار تفسیر صحیح و فهم درست : ۱- آگاهی از قواعد عربی ۲- آگاهی از معانی الفاظ قرآن ۳- تفسیر قرآن به قرآن ۴-

مراجعه به احادیث صحیح ۵- توجه به شان قرآن ۶- آگاهی از نزول قرآن ۷- تاریخ محیطی قرآن ۸- پرهیز از هر نوع پیش داوری

تکامل پذیری فهم دین بر اساس معرفت های بشری از جمله معرفت دینی در حال دگرگونی

بسیاری از معرفت ها و احکام دینی که از ظهور اسلام تا کنون ثابت مانده روزه گرفتن ، حج ، روزه ، خمس ، زکات و ...



## فصل چهارم امامت و ولایت

### الف ( معنای امامت و ولایت

**امام:** به معنای پیشوا و رهبر از ریشه ام به معنای قصد کردن و توجه نمودن است. وجه تسمیه امام به معنی پیشوا و رهبر: زیرا مردم با قصد و توجه خاص سراغ امام می روند.

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ ، یاد کن روزی را که هر گروهی را با پیشوایان فرا می خوانیم .

امام در اصطلاح شیعه: کسی که در مقام جانشین رسول خدا نسبت به همه امور دینی و دنیوی جامعه اسلامی ریاست الهی عام و فراگیر دارد.

**ویژگی امام به اساس نظر متکلمان شیعه:** ۱- از جانب خداوند ، ۲- دارای مقام عصمت ، ۳- نسبت به امور دینی علم لدنی و وسیع و گسترده داشته باشد .

**ویژگی امام از نظر متکلمان اهل سنت:** اینان امامت را منصبی عادی و غیر الهی می دانند که با انتخاب مردم به ویژه مهاجر و انصار و یا علمای اهل حل و عقد به فردی واگذار می شود . و همچنین بعضی از آنها بر این باورند که امام می تواند با زور و قدرت سرپرستی جامعه را بر عهده گیرد و آلودگی ها موجب عزل و برکناری او نمی گردد.

بر اساس دیدگاه علمای اهل سنت امامت از مصاح همگانی است که به خود امت بستگی دارد آنها هر کسی را تعیین کردند پیشوا و امام خواهد بود ولی امامت از دیدگاه شیعه ستون و پایه دین است و پیامبر باید امام را تعیین کند ( نصب از طریق فرمان خدا )

### تاریخ پیدایش اختلاف در مسئله امامت:

اختلاف در امامت جانشینی رسول خدا بعد از رحلت ایشان در سقیفه به اوج خود می رسد و میان عالمان و دانشمندان و مردم مورد توجه گسترده قرار گرفت ولی در زمان خود پیامبر هم نیز مطرح بوده است .

- شواهد تاریخی نشان دهنده گروهی مانند اخنس بن شوق ، فرمانروایی یمامه اسلام آوردن خود را مشروط به واگذاری جانشینی پیامبر به خود کرده بود .

- مصداق دیگر زمان هایی پیامبر (ص) مدینه را به دلیل سفر یا جنگ ترک می نمود . شیعه معتقد است پیامبر در زمان حیات بارها و بارها جانشین خویش (حضرت علی (ع)) را معرفی و تاکید نموده است .

### دستاوردهای بحث در باب امامت:

**اهل سنت:** زمان بحث پیرامون امامت را منحصر به زمان پیامبر می دانند و طرح آن را در این زمان را بیهوده می دانند .

**اهل تشیع:** نظر به جاودانگی دین اسلام و قوانین آن ، موضوع امامت را موضوعی به پایان رسیده تلقی نمی کند . دین و احکام اسلامی ابدی است

**ویژگی های مجری:** این احکام یعنی امام و پیشوای جامعه اسلامی نیز جاودانه است .

**ابعاد امامت از دیدگاه شیعه:** امامت از دیدگاه شیعه موضوع تبیین و تشریح اصول و معارف و بیان احکام و فروع دین و داوری میان اندیشه های مختلفی است که میان مسلمانان پدید می آید .

مبحث امامت با هماهنگی و وحدت جامعه اسلامی منافاتی ندارد و بیشتر به مشترکات توجه و مسائل اختلافی نیز در ساحتی علمی و دوستانه به دور از تعصب و پیش داوری مطرح می گردد.

هدف از تقریب بین مذاهب اسلامی، به هم نزدیک شدن اندیشه‌ها، تحمل یکدیگر، تاکید بر نقاط مشترک و وحدت و انسجام اُمت اسلامی در برابر مستکبران و دین ستیزان است.

### شیخ الازهر و شیخ شلتوت در پیروی مذهب شیعه:

مذهب جعفری مشهور به مذهب شیعه امامیه اثنا عشری از جمله مذاهبی است که همانند سایر مذاهب اهل سنت شرعاً می‌توان از آن تقلید کرد.

### نیاز به وجود امام:

اهم وظایف پیامبر اسلام (ص) شامل سه موضوع: ۱. دریافت ابلاغ وحی، ۲- تبیین وحی، ۳- رهبری جامعه اسلامی خداوند امامان معصوم را با علم خدادای نصب کرده تا بتوانند تبیین گر وحی الهی و به تعبیری مرجع و حافظ دین و تدبیرکننده جامعه اسلامی باشند

### نصب امامان بعد از پیامبر بر اساس:

- ۱- پیامبر در طول ۲۳ سال نبوتش فرصت نیافت تمام تفصیل و جزئیات احکام الهی را بیان نماید به دلیل جنگهایی که در ۱۰ سال آخر زندگی پیامبر پیش آمد و همچنین بسیاری از مسائل در زمان پیامبر موضوعیت نیافت.
  - ۲- پس از پیامبر فرقه‌های مختلفی نظیر: معتزله، خوارج، مرجئه، اشاعره و شیعه به وجود آمدند که هر یک عقاید خود را به قرآن مستند می‌کردند و آیات را مطابق باور خود تفسیر می‌کردند.
  - ۳- پس از رحلت رسول اکرم بازار جعل احادیث مستند به پیامبر داغ شد و جاعلان حدیث با انگیزه‌های گوناگون وارد میدان شدند. برخی یهودیان و شیعیان مسلمان نما مانند کعب الاحبار یا وهب بن منبه به خاطر عدواتی که با اسلام داشتند، اسرائیلیات و مسیحیات را به تاریخ اسلام وارد کردند. مسلمانان سست ایمان مانند سمره بن جندب که طمع ثروت و مقام و تحریک عوامل حکومتی و انگیزه‌های دیگر به جعل پرداختند. تغییر شأن نزول آیه مربوط به فداکاری حضرت علی (ع) در ليله المبيت و تغییر شأن نزول آیه ای که در مذمت منافقان وارد شده بود به حضرت علی نسبت داد
  - هشام بن حکم متکلم بزرگ و شاگرد برجسته امام صادق (ع): در دو مناظره وجود امام را پس از رحلت پیامبر ضروری می‌داند.
  - ۴- به هنگام درگذشت آن حضرت خطری سه گانه آیین اسلام را تهدید می‌کرد که از یک سوی آن امپراتوری روم، سوی دیگر آن امپراتوری ایران و سوی دیگر آخر آن را منافقان داخلی تشکیل می‌دادند.
- در اهمیت خطر نخستین همین بس که پیامبر تا آخرین لحظه از فکر آن فارغ نبود. از اینرو پیامبر در روزهای پایانی عمر خود سپاهی عظیم به رهبری اسامه بن زید برای نبرد با رومیان بسیج و اعزام کرد و متخلفان از آن سپاه را نیز نفرین نمود
- خطر دوم دشمن بد اندیش و بدخواه بود که نامه پیامبر را پاره کرد و به فرماندار یمن نوشت که پیامبر را دستگیر کند و یا سر او را از تن جدا کرده، بفرستد.

### ب) ادله نصب و عصمت امامان:

#### دلایل قرآنی:

**آیه انداز:** وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ، وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ . فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنَّي بِرِيءٍ مِمَّا تَعْمَلُونَ . و خويشان نزدیک را هشدار ده و برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده اند، بال خود را فرو گستر، و اگر تو را نافرمانی کردند، بگو: من از آنچه می‌کنید بیزارم.

وحی الهی در کوه حرا بر قلب پیامبر نازل شد و او به مقام نبوت و رسالت مفتخر گردید . پیامبر به مدت ۳ سال از دعوت عمومی پرهیز نمود و تنها از طریق ارتباطهای خصوصی با شایستگان توانست افراد اندکی را به آیین خود فراخواند . و بعد از ۳ سال فرمان رسید که دعوت همگانی خود را شروع کند

**آیه ولایت :** *إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ .*

ولی شما ، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند : همان کسانی که نماز بر پا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند .

**دلایل شیعه که بر امامت علی (ع) دلالت می کند:**

۱- محدثان و مفسران بر اساس احادیث متعدد معتقدند آیه ولایت درباره علی (ع) که در حال نماز انگشتر خویش را به مستمند بخشید نازل شد . بنابر آنچه بیان شد مقصود از *الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ...* در آیه مورد بحث حضرت علی (ع) می باشد .

۲- تعبیر ولی در آیه ولایت به معنای سرپرست ، حاکم و صاحب اختیار است که خداوند پیامبر و جانشین وی را نیز در پرتو موهبت الهی عهده دار آن هستند .

و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را ایمان آورده اند ، ولی خود بداند ، پیروز است چرا که حزب خدا همان پیروزمندان اند .

- ولایت مؤمنان در آیه منحصر به خدا و پیامبر و جانشین پیامبر شده است .

- در آیه حجر فرمودند : *وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ* . هر کس خدا و پیامبر او و کسانی که ایمان آورده اند ولی خود بداند پیروز است .

- اگر منظور از ولی دوست و یاور بود عبارت *الَّذِينَ آمَنُوا* کفایت می کرد .

معنای زکات هم در این آیه معنای قرآنی آن مد نظر است که هر انفاقی که برای خدا انجام گیرد زکات گویند

**آیه تبلیغ :** بسیاری از مفسران و محدثان اهل سنت و تمامی مفسران و محدثان شیعه بر آن اند این آیه در مورد امامت علی (ع) و داستان غدیر نازل شده است .

*يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ*

ای پیامبر ، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ، ابلاغ کن ، و اگر نکنی پیامش را نرسانده ای و خدا تو را از گزند مردم نگاه می دارد .

در هجدهم ماه ذیحجه سال یازدهم هجری در هنگام بازگشت پیامبر از حجه الوداع نازل شد .

پیامبر (ص) پیش از ابلاغ آیه تبلیغ و ولایت علی (ع) ، گواهی گرفت مردم نسبت به اصول دین ، حدیث ثقلین ، ناپذیری کتاب و عترت در یکدیگر ، خبر از نزدیکی رحلت .

**مقصود از مولی بودن پیامبر (ص) و علی (ع) چیست ؟**

قراین گواهی می دهند که مراد از این تعبیر زعامت و رهبری است که به برخی از آنها اشاره می گردد :

در ماجرای غدیر پیامبر کاروان خانه خدا را در سرزمینی بی آب و علف آن هم در سرزمینی بسیار گرم متوقف ساخت . و از تعیین جانشین و حفظ دین سخن گفت

پیامبر پیش از طرح ولایت علی از اصول سه گانه توحید و نبوت و معاد سخن گفتند و از مردم اقرار گرفتند .

در آغاز خطبه پیامبر از نزدیک بودن رحلت خود خبر دادند

پیامبر پیش از بیان پیام الهی درباره علی فرمود خدا مولای من است و من مولای مومنانم و نسبت به آنان از خودشان سزاوارترم .

خداوند پس از بیان پیام الهی از حاضران خواست به گوش غایبان برسانند و دستور داد به حضرت علی به عنوان امیر مومنان تبریک بگویند .

پس از نصب علی آیه اکمال دین فرود آمد (سوره مائده آیه ۳)

الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا  
امروز کسانی که کافر شده اند از دین شما نومید گردیده اند ، از آنها نترسید! و از من بترسید! امروز، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم  
مهم ترین احادیث که به امامت علی (ع) دلالت می کند : حدیث منزلت ، سفینه ، امامان دوازده گانه .

## دلایل روایی:

### حدیث منزلت :

پیامبر در آن جایگاه خویش بر علی (ع) همانند جایگاه هارون می داند با این تفاوت که هارون مقام نبوت را داشت ولیکن امام علی (ع) این مقام را ندارد .

جمله تاریخی پیامبر درباره شایعه پراکنی در مورد حضرت علی (ع) :

آیا راضی نمی شوی که نسبت به من بسان هارون نسبت به موسی باشی جز آنکه پس از من پیامبری نیست هرگز شایسته نیست که من بروم مگر اینکه تو خلیفه و نماینده من باشی .

در حدیث منزلت جایگاه علی (ع) نسبت به پیامبر به جایگاه دو پیامبر الهی نسبت به یکدیگر .

### حدیث سفینه:

پیامبر اسلام در روایتی اهل بیت خود را به کشتی نوح همانند کرده است .

أَلَا إِنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ فِي قَوْمِي مَن رَكِبَهَا نَجِيَ وَ مَن تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ .

آگاه باشید که اهل بیت من در میان امتم ، مانند کشتی نوح است که هر کس بر آن نشست نجات یافت و هر کس که به آن پناه نبرد غرق شد .

### امامان دوازده گانه:

پیامبر تنها به نصب علی (ع) به امامت بسنده نکرد بلکه به آمدن امامان دوازده گانه ای پس از خود خبر داد که عزت دین به عدد آن ها تحقق خواهد پذیرفت .

لا يزال الاسلام عزيزاً الى اثني عشر خليفه ، همواره اسلام به دوازده خلیفه عزیز خواهد بود .

### عصمت امامان:

عصمت مساوی یا نبوت نیست و چه بسا افرادی که مقام عصمت دارا هستند مانند حضرت مریم (س) و حضرت فاطمه (س) ولی پیامبر نیستند

### دلایل عصمت:

۱- عصمت یک منصب الهی و با توجه آن که قرآن کریم اطاعت ایشان به صورت مطلق آمده است .

۲- آیه تطهیر بر اراده تکوینی خداوند بر عصمت اهل بیت (ع) بصورت قطعی و حتمی از رجس و هر گونه پلیدی دلالت می کند :  
إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيراً .

پرید : بر اراده تکوینی خداوند دلالت می کند که هیچ چیز نمی تواند آن را تغییر دهد .

**الرجس** : شامل همه نوع آلودگی و گناه رفتاری و فکری

**اهل البيت** : حضرت علی (ع) ، حضرت فاطمه (س) ، امام حسن (ع) و امام حسین (ع)

۳- حدیث ثقلین بر اساس آن اهل بیت همه طراز قرآن اند و همانگونه که قرآن از تحریف مصون و نجات بخش انسان ها تا ابد اهل بیت نیز از کژی مبرا هستند .

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا، كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي؛ أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ  
من همانا دو چیز در میان شما می گذارم که پس از من هرگز گمراه نشوید، مادامی که به آن دو چنگ زنید، کتاب خدا، و عترتم که اهل بیت و خاندان من اند؛ زیرا خدای لطیف و آگاه به من سفارش کرده که آن دو از هم جدا نشوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند

۴- بر اساس حدیث سفینه : یگانه نجات بخش بشر باید از خطا و گناه مصون باشد . اطاعت و پیروی از اهل بیت تنها راه نجات و رستگاری است .

### **محبت به اهل بیت :**

از ضروریان دین و تاکیدات قرآن و روایات محبت به اهل بیت  
سوره شوری آیه ۲۳ : قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛  
(ای پیامبر!) بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن اهل بیتم».

### **ج ( مهدویت :**

امامان دوازده گانه از حضرت علی (ع) شروع و با امامت حضرت مهدی (عج) خاتمه می یابد و القابی چون ، مهدی ، حجت ، قائم ، ولی عصر دارد . اهل شیعه بر این باورند که حضرت مهدی (عج) به امر خدا غایب شده است .

### **غیبت حضرت مهدی در دو نوع است :**

**غیبت صغری** : از شهادت امام حسن عسکری (ع) و به روایتی از تولد حضرت مهدی (عج) آغاز و مدت آن از ۲۶۰ تا ۳۲۹ هجری است و راه ارتباط شیعیان با امام از طریق چهار نایب خاص است .

**غیبت کبری** : بعد از رحلت نایب چهارم حضرت مهدی (عج) آغاز شد و تا کنون ادامه دارد .

### **قرآن و غیبت :**

بر اساس آیات قرآن اولیای الهی دو دسته اند :

۱- ولی ظاهر : برای مردم قابل شناسایی است مانند حضرت موسی (ع)

۲- ولی غایب : با آنکه در میان مردم است ولی کسی او را نمی شناسد همانند حضرت خضر (ع)

### **راز غیبت :**

پیشینه غیبت رهبران امت های گذشته مانند : غیبت چهل روزه حضرت موسی (ع) حضور در میقات . غیبت حضرت عیسی (ع) ،

غیبت حضرت یونس (ع) ، غیبت حضرت ولی عصر (عج)

امام باقر (ع) پیرامون همین حکمت می فرماید : برای حضرت قائم غیبتی است قبل از ظهور ماست هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) برای ظهور ایشان دو دسته نشانه های ظهور است حتمی و نشانه ی غیر حتمی اما از تعیین زمان ظهور نهی شده است و علم این جریان مانند علم به زمان قیامت مختص خداوند متعال است .

### **طول عمر حضرت مهدی (عج) :**

از سال ۲۵۵ هجری تاکنون ( بیش از ۱۱ قرن )

## هنگام ظهور حضرت مهدی (عج)

از راز هایی که فقط خدا بدان آگاه است و بس

**معنای انتظار:** در لغت انتظار به معنی چشم براه بودن است . و در اصطلاح چشم به ظهور داشتن کسی چشم به راه است که برای او زمینه چینی می کند همانند حضرت یعقوب (ع) در انتظار بازگشت یوسف .

برخی وظایف تعیین شده برای منتظران

- عمل به دستورات قرآن و سنت پیامبر با مراجعه به فقهای عادل

- انتظار ظهور و دعا برای تسریع در فرج

## سیمای جامعه انسانی در عصر ظهور

ظلم و فساد رخت بر می بندد و عدل و قسط جای آن را در همه ارکان و ابعاد جامعه می گیرد  
برخی مصادیق:

۱- تکامل و اعتلای عقلانیت

۲- بسط و کمال علم و معرفت و حکمت

۳- تحقق وحدت و صمیمیت

## فصل پنجم : مرجعیت و ولایت در عصر غیبت

### الف ( ضرورت تشکیل حکومت در عصر غیبت

- **وحدت اسلامی:** تمسک به قرآن کریم و ریسمان الهی برای جلوگیری از تفرقه و امر به اجرای احکام قرآن

- **اجرای قوانین اسلامی:** در قرآن قوانین اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی وجود دارد و تحقق آنها در سایه

حکومت اسلامی است

### معنای ولایت فقیه:

ترکیب ولایت فقیه در دو واژه: ولایت و فقیه

ولایت در زبان فارسی: حکومت کردن، تصرف کردن، دست یافتن

ولایت در زبان عربی: از کلمه ولی گرفته شده و به معنای آمدن چیزی در پی چیز دیگر می باشد

ولایت در اصطلاح: به معنای سرپرستی و حاکمیت است

ولایت فقیه در قرآن: به معنی سرپرستی آمده است. آیه شریفه ۹ شوری: فالله و هو الولی و هو یحی الموتی و هو کل شیء قدیر:

خداست که سرپریت راستین است و اوست که مردگان را زنده می کند و هم اوست که بر هر چیزی تواناست.

### معنای فقیه:

فقیه در لغت به معنای عالم و متخصص در فقه است و آگاه به احکام حلال و حرام دین اسلام

فقیه در اصطلاح و در ترکیب ولایت فقیه: مجتهد جامع الشریطی که در زمان غیبت در عمل به قوانین اسلامی ادامه دهنده راه معصوم

می باشد و ویژگی هایی دارد: آگاه به قوانین اسلام، عادل، با تقوا، کاردان، مدیر، توانا در رهبری

## اهداف و وظایف حکومت ولی فقیه:

حکومت در دیدگاه اسلامی به خودی خود ارزشمند نیست بلکه هنگامی ارزشمند است که به هدف آن یعنی تحقق دین منتهی شود.

## برخی از اهداف حکومت ولایت فقیه:

- ۱- فراهم سازی زمینه تشکیل حکومت جهانی حضرت ولی عصر (ع). ۲- بر پایی عدالت در تمام ابعاد
  - ۳- تحقق برادری و برابری و مساوات در مقابل قانون ۴- افزایش سطح معنویات در جامعه
  - ۵- بهبودی سطح زندگی مادی و آبادانی ۶- ترویج فرهنگ اسلامی
- ب) ولی فقیه:** فردی است که در زمان غیبت زمامداری جامعه اسلامی را بر عهده گرفته است. خوشبختی جامعه در گرو دو عامل: قوانین و مقررات شایسته، مجریان شایسته در حقیقت قرآن بیانگر قوانین و ائمه معصومین مجریان این قوانین هستند. سخن امام رضا (ع) بر وجود حاکم در جامعه اسلامی و امر به اطاعت:
- ۱- اجرای قوانین به صورت کامل و جلوگیری از تجاوز افراد از محدوده دستورات دینی
  - ۲- یکی از لوازم استمرار زندگی اجتماعی ۳- حفاظت جامعه از نابودی و فطرات
  - ۴- بدون تعیین اولوالامر دین دچار مشکلاتی می شود.

## ویژگی های ولایت فقیه:

- ۱- آگاهی از قانون اسلام ۲- ایمان به تعالیم اسلام ۳- کاردانی ۴- عدالت
- ۵- آراستگی به فضایل اخلاقی و الوده نبودن به خصلت های ناپسند

## ادله ولایت فقیه:

**سیده عقلا:** بدین معنا است که خردمندان به کسی مسئولیت می دهند که چند شرط داشته باشد. دانایی نسبت به مسئولیت، توانایی در انجام مسئولیت، امانت داری در انجام مسئولیت از دیدگاه امام خمینی این امری بدیهی است و عقل حکم می کند که رهبر جامعه اسلامی به عنوان متولی تحقق عدالت و فضایل اخلاقی در جامعه باید به این امور آگاه و متصور باشد.

## ج) مبنای مشروعیت ولایت فقیه:

**معنای مشروعیت:** معنای مشروعیت بر حق بودن و حقانیت، مقبول بودن، اعتبار داشتن - فرد یا افرادی که مسئولیت اداره جامعه را بر عهده می گیرند و در جان و حال مردم تصرف می کنند.

## نقش و جایگاه مردم در نظام ولایت فقیه:

از دیدگاه اسلام خداوند انسان را آفریده است از این رو در پرتو تعقل و اختیار خود حاکمیت دینی و ولایت فقیه را بپذیرد و یا از آن سر باز زند.

- پذیرش ولایت فقیه همانند اصل دین به انسان واگذار شده است و انسان در انتخاب آن اختیار و آزادی دارد.
- یکی از مسلمات فقه اسلامی اختیار انسان در تصرف نسبت به مال و جان خود است.
- عقل می پذیرد که لازمه حکمرانی و حکومت نوعی سلطه بر مال و جان مردم.

## انتصاب یا انتخاب ؟:

**انتصاب یعنی:** تعیین حاکم از سوی خدا به دو صورت است نصب خاص، نصب عام  
**انتخاب یعنی:** یقین حاکم به وسیله مردم

حاکمیت ولایت فقیه از جهت اصل ثبوت انتصابی از نوع نصب عام است و از جهت تحقق و استمرار آن انتخابی است .  
نصب خاص آن است که خداوند فردی را با اسم و مشخصات معین به رهبری جامعه اسلامی بگمارد چنان که در مورد پیامبر و امامان معصوم صورت گرفت.

بنابراین حاکمیت ولی فقیه از یک سو انتصابی است یعنی صفاتی را که قرآن و معصومین برای رهبری جامعه اسلامی بر شمرده اند. از سویی دیگر حاکمیت ولی فقیه انتخابی است به این معنا که مردم باید با انتخاب و رای خود چنین حاکمیتی را بپذیرند تا محقق و استقرار یابد.

### **ولایت یا وکالت:**

یکی از پرسش های مهم در باب حاکمیت ولی فقیه آن است که آیا این حاکمیت از باب ولایت است یا وکالت حاکمیت وکالتی بدین معناست که مردم به حاکم وکالت می دهند تا به عنوان جانشین آنها خواسته هایشان را برآورده سازد .

**حاکمیت ولایتی :** حاکم مشروعیت خود را پیش از انتخاب مردم و در مقام ثبوت از خداوند و معصومان می گیرند. در این نوع حاکمیت ولی فقیه به نصب عام از جانب خدا حق دارد حکومت کند اما مردم باید چنین حاکمیتی را بپذیرند به تعبیری این نوع حاکمیت بر خلاف حاکمیت وکالتی بر دو پایه دین و مکتب و پذیرش مردمی استوار است.

حاکمیت وکالتی بر دیدگاهی انسان مدارانه استوار است بدین بیان که حکومت وولایت حق مردم است و طبعا تمام آن به مردم باز میگردد . همچنین با توجه به دلایل عقلی و نقلی ولایت فقیه چنین ولایتی از یک سو منصبی الهی است که از سوی خدا و معصومین (ع) به ولی فقیه داده شده و از سوی دیگر استقرار چنین حاکمیتی بر پذیرش مردمی مبتنی است . بنابراین بر اساس آموزه های دینی نمی توانیم ولایت فقیه را از باب وکالت بدانیم.